

زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی کنش‌های اقتصادی در میان زنان و پیامدهای آن

عادل عبداللهی

عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

ولی الله رستمعلی زاده^۱

عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

بشیر قانع

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۳، شماره یک: ۱۴۱-۱۲۳

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

پذیرش ۹۵/۳/۲۷

دریافت ۹۴/۱۰/۹

چکیده

پژوهش‌های کیفی این امکان را به پژوهش‌گر می‌دهند تا کنش‌های روزانه افراد را بر اساس تعریف خود کنش‌گران دریافت و تحلیل کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با محور قرار دادن داده‌های میدانی درصدد مطالعه معنای ذهنی کنش‌های اقتصادی در بین زنان شهرستان پاوه، شناخت زمینه‌های اجتماعی فرهنگی مؤثر بر این کنش‌ها و پیامدهای آن است. روش‌شناسی این پژوهش، مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. در این پژوهش با استفاده از فنون مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی اطلاعات گردآوری شد. همچنین به منظور تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل چارچوب طی پنج مرحله‌ی آشناسازی، شناسایی چارچوب موضوعی، نمایه‌سازی، جدول‌بندی و ترکیب داده‌ها استفاده شد. یافته‌های پژوهش حول پنج درون‌مایه‌ی اصلی با عناوین "بسترمند شدن کنش‌های اقتصادی"، "بسترمندی الگوهای پس‌انداز"، "الگوی اشتغال ضرورت‌گرا"، "هم‌پاری خانوادگی در تولید" و "باز تعریف جایگاه و منزلت زنان" سازماندهی شدند که هر یک از درون‌مایه‌های مزبور دو درون‌مایه‌ی فرعی را پوشش می‌دهند. در پایان با مرور و ترکیب درون‌مایه‌های استخراج‌شده به چارچوب نظری نهایی دست یافتیم. بر اساس "چارچوب نظری نهایی" می‌توان گفت که کنش‌های اقتصادی در بین زنان شهرستان پاوه مبتنی بر مجموعه‌ای از "کنش‌های نیت‌مند" است و از پیامدهای بارز این کنش‌ها می‌توان به "ساختارزدایی در نقش‌های زنانه" اشاره کرد و به همین ترتیب، پیامد نهایی کنش‌های اقتصادی در جامعه مورد مطالعه، "زنانه شدن اقتصاد خانگی" است که این مقوله می‌تواند به لحاظ معنایی سایر درون‌مایه‌های فرعی و اصلی برآمده از یافته‌های پژوهش را پوشش دهد.

واژگان کلیدی: کنش‌های اقتصادی، کنش‌های نیت‌مند، بسترمند شدن کنش‌های اقتصادی، زنانه شدن اقتصاد خانگی، زنان پاوه‌ای

^۱ پست الکترونیکی نویسنده مسئول: v.rostamalizadeh@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

یکی از رفتارهای اجتماعی افراد، کنش اقتصادی درآمدزا است. این کنش سبب کسب درآمد می‌شود و توانایی مصرف و برآوردن نیازها را ایجاد می‌کند و علاوه براین، کسب وجهه اجتماعی می‌تواند پیامد طبیعی این کنش باشد. کنش اقتصادی درآمدزا در میان زنان، به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه و آن هم در میان جوامع روستایی آن‌ها، ویژگی‌های خاصی دارد. "فعالیت اقتصادی زنان در نواحی روستایی این جوامع عمدتاً سنتی است، در داخل خانه انجام می‌شود، جنبه تولیدی دارد و در افزایش درآمد خانوار تاثیر بسزایی دارد" (نوری و علی محمدی، ۱۳۸۸: ۸۸). با این حال، نقش زنان در این جوامع، نه فقط به وسیله نظام اقتصادی، بلکه به وسیله عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز تحت تأثیر قرار گرفته است (زراء نژاد و منتظر حجت، ۱۳۸۴: ۸۲). یعنی اگر در اشتغال مردان، به طور طبیعی، عوامل جمعیتی مانند ساختار سنی جمعیت، روند مهاجرت، میزان رشد جمعیت و میزان عرضه و تقاضای نیروی کار، تعیین‌کننده باشند، در زمینه اشتغال زنان، این عرف و هنجارهای اجتماعی است که راه‌گشای آنان به بازار و عرصه فعالیت‌های اقتصادی و یا بازدارنده حضور آنان در بخش عمده‌ای از فعالیت‌های شغلی است (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

در این جوامع، نگرش جامعه به اشتغال زنان، باورهای سنتی مبتنی بر خانه‌داری به عنوان نخستین و مهم‌ترین وظیفه زنان، تقسیم کار سنتی و نوعی مرزبندی میان کار زن و مرد، تعدد مسئولیت‌ها و نقش‌های زنان در خانه و محیط کار، تبعیض‌های جنسیتی، عدم دسترسی آسان به منابع مالی، کمبود یا نبود اطلاعات، قوانین دست و پا گیر و ... از عوامل فرهنگی-اجتماعی مهم در اشتغال زنان است (آراستی، ۱۳۸۵: ۹۶). با این حال در دهه‌های اخیر، در این کشورها و از جمله در ایران، دگرگونی‌های ارزشی و ساختاری زیادی از جمله افزایش سطح تحصیلات دختران، افزایش میانگین سن ازدواج، دگرگونی ساختار خانواده از نوع گسترده به هسته‌ای، کاهش بعد خانوار و کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار اتفاق افتاده است (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۳۴) و زمینه‌های لازم را هم در ابعاد نگرشی و هم در ابعاد ساختاری برای کنش‌های اقتصادی زنان مساعد کرده است. در عین حال، آنچه بدیهی است، تغییرات ارزشی و فرهنگی در نقاط مختلف ایران، اشکال متفاوتی به خود گرفته است. به عبارت دیگر، ساختار و ماهیت تغییرات بسترمند/مکان‌مند و زمان‌مند است. لذا مطالعه حاضر در صدد بررسی

تغییرات صورت گرفته در رابطه با زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی کنش‌های اقتصادی در میان زنان منطقه پاوه است و اینکه پیامدهای این کنش‌های اقتصادی چه بوده است؟

چارچوب مفهومی و پیشینه تحقیق

در رویکرد نظری این تحقیق با رجوع به آرای وبر در زمینه کنش اجتماعی و اقتصادی و قانون‌مندی‌های آن، به بررسی زمینه‌های کنش اقتصادی زنان پرداخته خواهد شد. از نظر وبر "کنش آن رفتار انسانی است که دارای معانی ذهنی خاصی باشد" (وبر، ۱۳۸۴: ۲۵). رفتار انسانی نیز بر اثر محرک یا انگیزه ایجاد می‌شود، و اگر نیاز را منشأ رفتار تلقی کنیم، لذا انگیزه‌های رفتاری را شکل می‌دهد و رفتارهای معنادار نیز به کنش منتهی می‌شوند.

از نظر وبر "انگیزه" ترکیبی از معانی ذهنی است که از نظر کنش‌گر و مشاهده‌گر مبنایی کافی برای کنش مورد نظر باشد (همان: ۳۴). کنش نیز زمانی اجتماعی است که شخص عامل، رفتار دیگران را نیز در معانی ذهنی خودش در نظر بگیرد و رفتار خود را با توجه به آن جهت دهد (وبر، ۱۳۸۴: ۲۵). وبر از چهار نوع کنش اجتماعی نام می‌برد: (۱) عقلایی هدفمند: شامل گرایش به مجموعه‌ای از اهداف مشخص فردی است. در این گرایش، رفتار عوامل بیرونی و افراد دیگر پیش‌بینی می‌شود. این گونه پیش‌بینی‌ها به مثابه «شرایط» و «وسایل» کسب توفیق‌آمیز اهداف عقلایی شخص هستند. (۲) عقلایی ارزشی: این گرایش شامل باور آگاهانه به ارزش یک رفتار اخلاقی، زیبایی‌شناختی، مذهبی و غیره است. (۳) عاطفی: کنشی ناشی از تمایلات خاص و وضعیت احساسی شخص است، مثل فداکردن خود برای دیگری یا برای یک آرمان و یا انگیزه‌هایی مانند انتقام. (۴) سنتی: کنش حاصل از گرایش به سنت است که از طریق عادات طولانی مدت ایجاد می‌شود. البته بسیار بعید است بتوان کنشی را یافت که فقط به یکی از این گروه‌ها معطوف باشد (همان: ۵۱-۵۲).

کنش، زمانی "جهت اقتصادی" دارد که طبق مفهوم ذهنی‌اش متوجه ارضای تمایلی نسبت به مطلوبیتها باشد. «کنش اقتصادی»، کاربرد مسالمت‌آمیز منابع تحت اختیار فرد برای بهره‌گیری اقتصادی است. کنش اقتصادی عقلایی نوعی کنش عقلایی است که برای نیل به اهداف اقتصادی و به صورت عامدانه طراحی شده باشد (وبر، ۱۳۸۴: ۱۰۳). تعریف کنش اقتصادی باید شامل این نکته باشد که مردم عامدانه به دنبال مطلوبیت هستند، مثلاً تحصیل پول که خود امری مطلوب است. به این ترتیب، "کنش اقتصادی" دارای جهت‌گیری آگاهانه نسبت به اهداف

اقتصادی است. منظور از "مطلوبیت" نیز استفاده از امتیازاتی است که یک فرد یا افراد متفاوت، به طور خاص یا عام، به شکل واقعی یا صوری، در حال حاضر یا آینده، از کالا یا خدمت به خصوصی بهره‌مند می‌شوند. مطلوبیت‌ها می‌توانند حاصل خدمات عوامل انسانی یا غیرانسانی باشند (همان: ۱۱۱-۱۰۴).

ویر (۱۳۸۴: ۶۰-۵۷) بر این عقیده است که در حیطه جهت‌گیری‌های کنش اجتماعی، قانون‌مندی‌های خاصی را می‌توان مشاهده کرد. یعنی اینکه، انواع خاصی از کنش منطبق بر معانی نوعاً مناسب ذهنی و همچنین قابل اطلاق به اشخاص مشابه بسیار رایج است. این قانون‌مندی‌ها شامل آداب، مد، عرف، قانون، رسم و نفع شخصی است. مفهوم «آداب» زمانی به احتمال وجود یک هم‌سانی در جهت‌گیری کنش اجتماعی اطلاق می‌شود که صرفاً از طریق عمل به آن، امکان بقای آن در بین اعضای یک گروه به وجود می‌آید. اگر «آداب» پایدار و مداوم باشد «رسم» نامیده می‌شود. از سوی دیگر، همسانی یک کنش می‌تواند «با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در جهت منافع شخصی فرد» ایجاد شود. بنابراین:

(۱) آداب شامل «مد» نیز هست. وجه تمایز آداب از رسوم این است که آداب زمانی مد نامیده می‌شود که تازه‌بودن رفتاری مبنای جهت‌گیری کنش باشد. جایگاه آداب به «عرف» بسیار نزدیک است؛ زیرا منشأ هر دو در کسب «اعتبار اجتماعی» نهفته است.

(۲) در تمایز از «عرف» و «قانون»، «رسم» به ضوابطی اشاره دارد که فاقد ضمانت اجرایی خارجی هستند و شخص طبق خواست درونی خود از آنها پیروی می‌کند. انگیزه این پیروی می‌تواند در این نهفته باشد که شخص صرفاً از فکرکردن درباره آن اجتناب می‌کند، یعنی وی راحت‌تر است که صرفاً خود را تطبیق دهد یا اینکه شخص می‌تواند هر انگیزه دیگری داشته باشد. اما پیروی از ضوابط مرسوم، همیشه انتظار موجه اعضای گروه است. بنابراین، رسوم مثل قانون «معتبر» نیستند؛ زیرا پیروی از آنها توسط هیچ کسی «خواسته» نمی‌شود. طبیعتاً گذار از این ویژگی به عرف معتبر و به قانون، به صورت تدریجی است. آنچه از طریق سنت منتقل می‌شود، همه جا منبع مهمی است برای آنچه اعمال می‌شود.

(۳) بسیاری از قانون‌مندی‌های قابل توجه در روند کنش اجتماعی، نه ناشی از گرایش به هنجاری معتبرند و نه ضرورتاً مبتنی بر رسوم؛ بلکه کاملاً مبتنی هستند بر نوع خاصی از کنش اجتماعی منطبق بر منافع اشخاص، آن گونه که خود از آن آگاه‌اند. مثلاً در بازار، فروشندگان،

کنش خود را ابزاری برای تامین اهدافی می‌پندارند که به زعم خود، طبق نفع اقتصادی‌شان تعریف شده است.

بنابراین، طبق تعریف وبر از کنش اقتصادی، دو دسته عوامل می‌توانند باعث کنش اقتصادی زنان شوند. انگیزه‌های خود زنان برای کنش اقتصادی همچون مد و نفع شخصی و انگیزه‌هایی که جامعه القا می‌کند مانند عرف، قانون و رسم. پس به‌طور کلی برای اشتغال زنان امکان دخالت‌داشتن چندین نیاز به‌صورت ترکیبی وجود دارد. آنان ضمن داشتن انگیزه‌های اقتصادی، نیاز به ایمنی، احترام، خودیابی و همچنین تامین نیازهای اجتماعی دارند (مسجدیان، ۱۳۷۱: ۴۲). نوری و علی‌محمدی (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی به این نتیجه رسیدند که انگیزه‌های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال، در کنار فرصت‌های فعالیت در وضع موجود و نظر همسر و خانواده، مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر فعالیت اقتصادی زنان هستند. رفعت‌جاه و خیرخواه (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی به نتایج زیر رسیدند: در زمینه انگیزه اشتغال زنان، مدیران در مجموع به استقلال مالی، رسیدن به منزلت و هویت اجتماعی و خدمت به جامعه اشاره کردند. اما زنان انگیزه استقلال مالی و مردان انگیزه خدمت به جامعه را مهم‌تر دانستند. در خصوص مسائل و مشکلات اشتغال زنان، مدیران در وهله نخست به مشکلات خانوادگی و فرهنگی و سپس به مشکلات سازمانی اشاره کرده‌اند. در این میان، مردان بیشتر مشکلات فرهنگی و نامناسب بودن ساعات کار و زنان مشکلات خانوادگی و مشکلات سازمانی را مطرح کردند. درباره آثار و پیامدهای اشتغال زنان، زنان مدیر، مهم‌ترین آثار آن را استقلال مالی و افزایش سلامت روانی زنان دانستند؛ با این حال مردان مدیر هیچ اشاره‌ای به این موارد نکردند و در عوض امکان بروز اختلاف در منزل را یادآور شدند. در نهایت مهم‌ترین اثر منفی اشتغال زنان از دیدگاه هر دو جنس کاهش فرصت رسیدگی به امور فرزندان بوده است که زنان نگرانی بیشتری از آن ابراز کردند. در نهایت، بیشتر مدیران مورد مصاحبه معتقد بودند برای بهبود وضعیت اشتغال زنان در ایران باید موانع خانوادگی (تقسیم جنسی کار خانگی)، فرهنگی و سازمانی برطرف شده و حمایت‌های اجتماعی گسترش یابد. همچنین در تحقیق ساروخانی (۱۳۷۰)، که پیرامون عوامل احتمالی مؤثر در اشتغال زنان صورت گرفته است، مسائل اقتصادی از عواملی است که می‌تواند در گرایش زنان به اشتغال خارج از

منزل مؤثر واقع شود. تحقیق ساجد (۱۳۷۵) نیز مطرح می‌کند که امور مالی و استقلال مالی زن و به خصوص قدرت در خانواده از عوامل مهم گرایش زنان به اشتغال است؛ توکلی (۱۳۷۶) نیز عامل فرهنگی را در گرایش زنان به اشتغال مؤثر می‌داند؛ زهی (۱۳۷۷) هم مطرح می‌کند که برخورداری از ارزش اجتماعی و رضایت شغلی و شرایط اقتصادی منجر به اشتغال زنان در خارج از منزل می‌شود (نقل از توسلی و رفیعی خونانی، ۱۳۸۷). در نهایت اینکه باقری و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر اشتغال زنان در هرم قدرت در خانواده به این نتایج رسیدند که اشتغال زنان سبب افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنها در امور اقتصادی، نحوه تربیت فرزندان، تعیین موالید، تعیین نحوه گذران اوقات فراغت و افزایش مشارکت سیاسی- اجتماعی آنان می‌شود. بنابراین، می‌توان از این تحقیقات نتیجه گرفت که زمینه‌های فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اشتغال زنان نقش مهمی را ایفا می‌کنند. با الهام از تحقیقات پیشین و رویکرد نظری وبر، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی کنش می‌تواند روی نوع و ماهیت کنش تأثیر بگذارد، همانند آداب و رسوم و غیره. بنابراین با عنایت به این که یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی بر تحلیل زیست‌جهان افراد استوار است و این امکان را به پژوهش‌گر می‌دهد تا کنش‌های روزانه افراد را بر اساس تعریف خود کنش‌گران دریافت و تحلیل کند، این پژوهش با محور قرار دادن داده‌های میدانی در صدد مطالعه معنای ذهنی کنش‌های اقتصادی در بین زنان شهرستان پاوه، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر این کنش‌ها و پیامدهای آن است.

جامعه مورد مطالعه

شهرستان پاوه با سابقه بیش از سه هزار سال در شمال غرب استان کرمانشاه با فاصله ۱۲۱ کیلومتر از مرکز استان و شهر کرمانشاه قرار دارد. شهرستان پاوه هم‌اکنون با ۸۶۰ کیلومتر مربع وسعت، دارای چهار شهر پاوه، نوسود، نودشه و باینگان، سه بخش مرکزی، نوسود و باینگان، پنج دهستان سیروان، بانه‌وره، شمشیر، شوسیسر و هولی و ۷۳ روستا است که ۴۴ روستای آن مسکونی است و ۳۷ روستای شهرستان دارای دهیاری فعال هستند (سایت استانداری کرمانشاه، ۱۳۹۳). جمعیت این شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۹۰؛ ۵۶،۸۳۷ نفر است که از این تعداد ۲۸،۶۳۰ نفر مرد و ۲۸،۲۰۷ نفر زن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). مردم منطقه پاوه و اورامانت، آریایی‌تبار و از ساکنان قدیم فلات ایران هستند. مردم پاوه به زبان کردی و به گویش هورامی تکلم می‌کنند که از اصیل‌ترین زبان‌های ایران‌زمین و بازمانده از زبان پهلوی و اوستایی

است. پوشش مردان شامل چوخه و رانک، شال و میزره (سربند)، تاقليله (کلاه)، پوزه وانه (ساق بند)، گوره‌وی (جوراب)، فه‌قیانه (نوعی مچ بند) و کلاش (گیوه) است. پوشش زنان نیز شامل: فیس (کلاه زری)، سه لته، سخمه، کوا، گجی، چه‌فته، له‌چک، مشکی و هه‌وری است. پاوه و اورامانات از مراکز مهم صنایع دستی استان کرمانشاه به شمار می‌آید. در بین صنایع دستی رایج در این منطقه می‌توان به گیوه‌کشی، گیوه‌بافی و شال‌بافی اشاره کرد، که از قدمت زیادی برخوردارند. گیوه‌بافی از قدیم الایام در بین مردم پاوه و اورامانات رایج بوده است و به عنوان پا افزار از آن استفاده می‌کردند (سایت استانداری کرمانشاه، ۱۳۹۳). به طور سنتی، گیوه‌کشی (ساختن زیره گیوه) کاری مردانه بود و به کسانی که این کار را انجام می‌دادند "دؤم" می‌گفتند. اما گیوه‌بافی بیشتر کاری زنانه بود و زنان بعد از فراغت از کارهای روزانه به این کار می‌پرداختند، و برای خود و اعضای خانواده گیوه تهیه می‌کردند و یا آن را می‌فروختند. امروزه مردان از گیوه به عنوان کالایی لوکس استفاده می‌کنند. قالی‌بافی نیز از دیگر صنایع دستی رایج در شهرستان پاوه است که نسبت به گیوه سابقه کمتری دارد. در گذشته قالی‌بافی به صورت محدود در پاوه وجود داشت و زنان کمی به این کار اشتغال داشتند. اما امروزه با بیشتر شدن اوقات فراغت زنان و تاسیس چند کارگاه قالی‌بافی در سطح شهرستان و گسترش آموزش قالیبافی، زنان زیادی به این کار روی آورده‌اند به‌طوری‌که بعد از گیوه‌بافی، بالاترین رتبه در صنایع دستی شهرستان پاوه را دارد. اما برخلاف گیوه که در بازارهای شهرستان و مناطق اطراف فروخته می‌شود، قالی در سطح شهرستان مشتری چندانی ندارد و بیشتر در شهرهای تبریز و اصفهان به فروش می‌رسد.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش، مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. در این روش اطلاعات با استفاده از فنون مصاحبه‌ی عمیق و مشاهده مشارکتی گردآوری شده‌اند. همچنین از تکنیک "تحلیل چارچوب" به منظور تحلیل داده‌ها استفاده شد. تحلیل چارچوب یکی از شیوه‌های مورد استفاده در تحلیل داده‌های کیفی است که دارای انعطاف زیادی است. به‌صورتی‌که می‌توان از این شیوه در دو مرحله اتمام جمع‌آوری داده و یا حین جمع‌آوری داده استفاده کرد. در این تحقیق تحلیل داده‌ها طی فرآیند جمع‌آوری داده صورت گرفته است. مراحل تحلیل داده در این

روش دارای پنج مرحله آشناسازی، شناسایی یک چارچوب موضوعی، نمایه‌سازی، جدول‌بندی و ترکیب داده‌ها است (علوی مجد و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۴). به جزئیات مراحل مزبور در بخش یافته‌های تحقیق اشاره شده است. همچنین از آن‌جا که در پژوهش‌های کیفی بیشتر بحث اعتبار مدنظر است تا پایایی، و این موضوع ریشه در ماهیت هستی‌شناسی و فلسفی پژوهش‌های کیفی دارد، لذا به منظور ارتقای اعتبار یافته‌ها از روش مورد نظر اووه فلیک یعنی "باورپذیرکردن گزینشی" استفاده شده است. به اعتقاد اووه فلیک (۱۳۸۷: ۱۴۰) یکی از روش‌های افزایش اعتبار "باورپذیرکردن گزینشی" است. منظور وی از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن با نقل‌قول‌هایی قابل قبول است. از این‌رو، در این پژوهش تلاش شده است تا درون-مایه‌های برآمده از داده‌های میدانی با استفاده از نقل‌قول‌های مستقیم افراد مورد مصاحبه مستند-سازی شود و با استفاده از این تکنیک، اعتبار یافته‌ها ارتقا یابد.

جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان ساکن شهرستان پاوه هستند که به گویش هورامی تکلم می‌کنند و دلیل انتخاب این دسته از زنان نهاده شدن اشتغال به تولید صنایع دستی در قالب مشاغل خانگی در بین آن‌ها بود. به پیروی از تکنیک‌های رایج نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی، نمونه‌ها بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند. به این ترتیب که در نمونه‌گیری هدفمند ابتدا سراغ افرادی رفتیم که در رابطه با موضوع مورد مطالعه دارای تجربه زیسته بودند و می‌توانستند اطلاعات نسبتاً جامعی را ارائه دهند؛ لذا در این بخش از نمونه‌گیری ملاک انتخاب افراد "داشتن تجربه زیسته درباره موضوع مورد مطالعه" بود. در ادامه، از تکنیک نمونه-گیری نظری نیز استفاده شد. چامارز هدف از کاربرد نمونه‌گیری نظری را "توسعه مقوله‌های در حال ظهور، نهایی شدن و سودمندتر کردن آن‌ها" می‌داند (چامارز، ۲۰۰۰: ۵۱۹ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۵). بنابراین به پیروی از چامارز هدف از کاربرد این نوع نمونه‌گیری "پالایش ایده‌ها برای افزایش اندازه نمونه اولیه نیست. این نوع نمونه‌گیری به ما در شناسایی مرزهای مفهومی و تعیین انطباق و تناسب مقوله‌ها کمک می‌کند" (همان: ۵۱۹ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۵). بر این اساس پس از مصاحبه عمیق با ۲۷ نفر از جامعه مورد مطالعه با دستیابی به اشباع نظری تحقق یافت. از مجموع ۲۷ نفر افراد مورد مصاحبه، ۲۳ نفر زن و ۴ نفر مرد بودند. مسن‌ترین شرکت‌کننده ۵۶ ساله و جوان‌ترین آن‌ها ۲۳ سال سن داشت. در بین این مشارکت‌کنندگان ۷ نفر مشغول به قالی‌بافی و تابلوفرش بافی بودند. ۴ نفر گیوه (کلاش) بافی، ۵ نفر خیاطی، ۲ نفر به بافتنی با میله و قلاب و ۳ نفر هم به پخت نان محلی اشتغال داشتند.

همچنین با ۴ نفر از مردان که به طور مستقیم با این مشاغل در ارتباط بودند مصاحبه به عمل آمد. آن‌ها به عنوان مطلعان کلیدی، اطلاعات بسیار مفیدی را در اختیار ما قرار دادند. از نظر سطح تحصیلات نیز ۱۰ نفر از افراد مورد مصاحبه مدرک تحصیلی دیپلم، ۳ نفر مدرک تحصیلی لیسانس، ۷ نفر ابتدایی و ۲ نفر هم مدرک تحصیلی سوم راهنمایی داشتند.

یافته‌های پژوهش

پیش‌تر عنوان شد که تحلیل داده با استفاده از شیوه تحلیل چارچوب دارای پنج مرحله است. مرحله اول "آشناسازی" است. در این مرحله، خوانش مصاحبه‌ها و دست‌نوشته‌ها، یادداشت‌برداری از ایده‌های کلیدی و درون‌مایه‌های تکرارشونده و همچنین بازاندیشی در مورد ارتباط معنایی بین داده‌های جمع‌آوری‌شده، انجام شد. در اینجا، با مراجعه به اهداف پژوهش اطمینان حاصل شد که داده‌های جمع‌آوری‌شده اهداف پژوهش را پوشش می‌دهند و داده‌های پرت کنار گذاشته شدند. مرحله دوم "شناسایی/ تدوین یک چارچوب موضوعی" است. در این مرحله درون‌مایه‌های دارای بیشترین فراوانی در درون طبقات معنایی مشترکی قرار گرفتند؛ یعنی ایده‌های تکرارشده در فرآیند آشناسازی به صورت گروه‌هایی متشکل از ایده‌های مشابه و یا به صورت درون‌مایه اصلی درآمدند و هدف از این کار ایجاد واحدهای معنایی مشترک بود. در واقع برآیند مراحل اول و دوم تحلیل داده‌ها در قالب جدول شماره یک ارائه شده است. به این ترتیب که در جدول شماره یک درون‌مایه‌های اصلی برآمده از مصاحبه‌های صورت گرفته تحت عنوان "تدوین چارچوب موضوعی" ارائه شده است. پس از آن نوبت به مرحله سوم تحت عنوان "نمایه‌سازی داده‌ها" می‌رسد. در این مرحله تلاش شده است تا برای هر کدام از درون‌مایه‌های اصلی (ایده‌های مشابه) و فرعی (ایده‌های کلیدی)، به برخی از دست‌نوشته‌های استخراج شده از داده‌های کیفی اشاره شود. یعنی واحد یا بخش‌هایی از داده‌ها که به درون‌مایه‌های خاصی مرتبط هستند، شناسایی شوند. به‌طور کلی داده‌ها به دو روش نمایه‌سازی می‌شوند: یا درون‌مایه‌های استخراج شده در مرحله تدوین چارچوب موضوعی کدگذاری می‌شوند و یا اینکه نمایه‌سازی از طریق کپی کردن داده‌ها از دست‌نوشته‌ها و چسپاندن آن‌ها در صفحه‌ای جدید صورت می‌گیرد. نمایه‌سازی در این مقاله با روش دومی انجام شده است و مثال‌هایی از این کار در قالب شکل شماره یک به نمایش درآمده است. مرحله بعدی ارائه

یافته‌ها، که همان مرحله چهارم باشد، "جدول‌بندی موضوعی" است که در خلال آن به نحوه قرارگرفتن داده‌ها در جدول موضوعی اشاره شده است. در واقع جدول‌بندی و تلخیص نهایی درون‌مایه‌های استخراج‌شده از داده‌های کیفی در این مرحله عملی شده که در جدول شماره دو به آن اشاره شده است. همچنین بر اساس روش تحلیل چارچوب، "تدوین چارچوب نظری نهایی" آخرین مرحله از ارائه یافته‌ها در این پژوهش است. در این مرحله، تمام جداول قبلی مرور شده و چارچوب نظری نهایی در قالب شکل شماره دو به تصویر کشیده شده است. بنابراین، یافته‌های پژوهش در قالب ۴ جدول و شکل ارائه خواهند شد که جدول ذیل "تدوین چارچوب موضوعی" را به نمایش گذاشته است.^۱

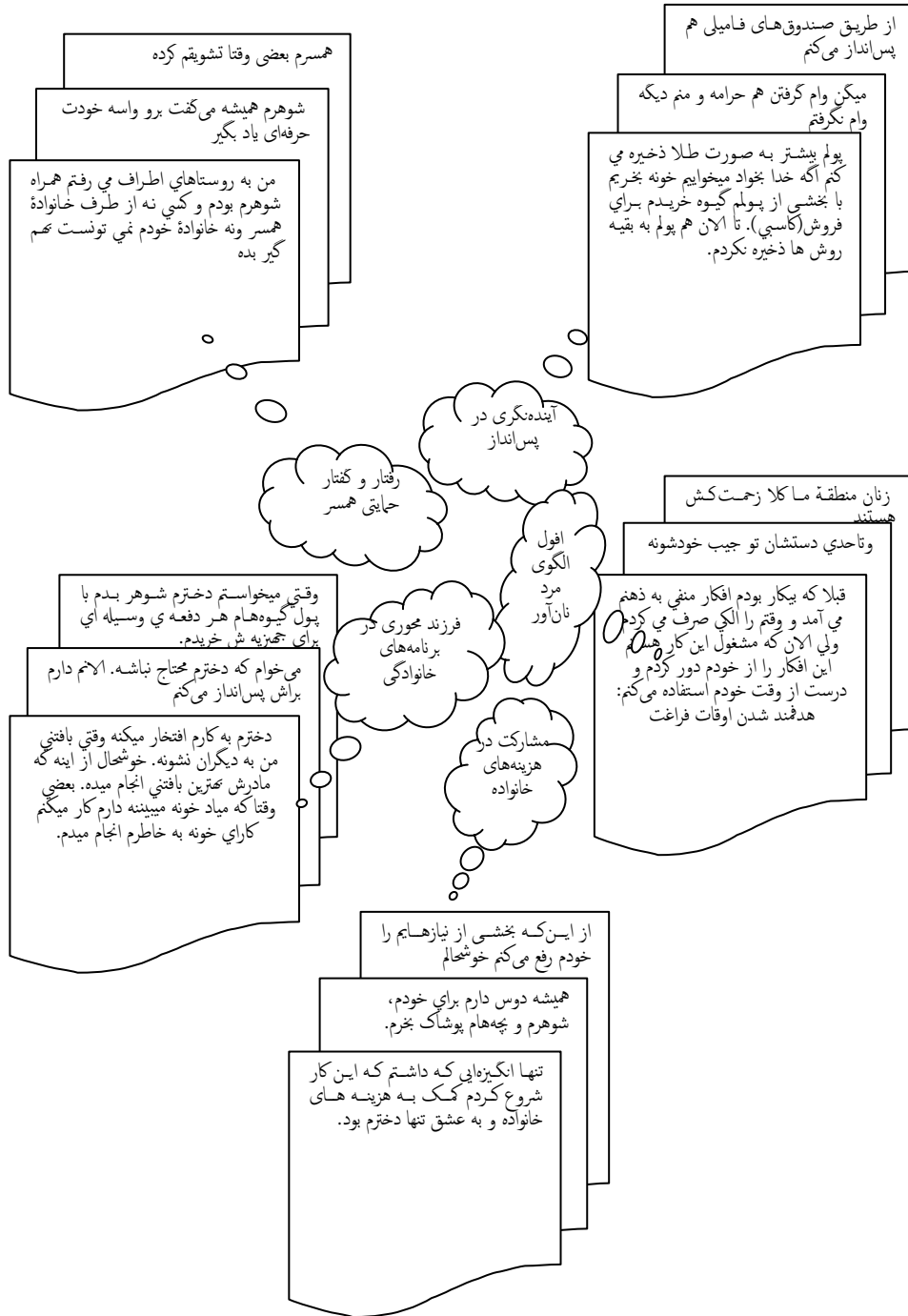
جدول شماره ۱: آشنایی با داده‌ها (خلاصه‌ای از مراحل اول و دوم)

پس‌انداز شما به کدام یک از روش‌های صورت می‌گیرد؟ منظور آن است که در بین شیوه‌های رایج پس‌انداز از قبیل صرفه‌جویی در مخارج منزل و کنار گذاشتن پول، خرید طلا و زیورآلات، خرید ملک، وام گرفتن و خرید قسطی، شما کدام یک از این روش‌ها را می‌پسندید؟ دلیل شما برای ترجیح برخی از شیوه‌های پس‌انداز کردن و رد برخی دیگر چیست؟		
می‌گن وام گرفتن هم حرامه و منم دیگه وام نگرفتم (الهام از آموزه‌های مذهبی)	از طریق صندوق‌های فامیلی هم پس‌انداز می‌کنم (استفاده از سرمایه اجتماعی در پس‌انداز)	پولم بیشتر به صورت طلا ذخیره می‌کنم اگه خدا بخواد می‌خواهیم خونه بخریم با بخشی از پولم هم گیوه خریدم برای فروش (کاسبی). تا الان هم پولم به بقیه روش‌ها ذخیره نکردم (پس‌انداز برنامه‌محور)
چه چیزی باعث شد تا شما به مشاغل خانگی روی بیاورید؟ آیا رفتار و گفتار دوستان و آشنایان در روی آوردن شما به این شغل تاثیرگذار بوده است؟ اگر چنین بوده است چقدر؟ چگونه؟ و چرا؟ آیا رفتار و گفتار همسر و فرزندان‌تان در روی آوردن شما به این شغل تاثیرگذار بوده است؟ توضیح دهید چگونه؟		
بابام تشویق می‌کنه. به بابام گفتم که می‌خوام دار قالی بخرم اونم قبول کرد و دار قالی برام خرید (حمایت پدر از اشتغال خانگی).	حمایت همسرم تأثیر زیادی داشته است. شوهرم همیشه می‌گفت برو واسه خودت حرفه‌ای یاد بگیر (حمایت جدی همسر).	قبلاً مسائل فرهنگی زیادی سر راه من بود تا این‌که همسر من را در رفتن به روستاهای اطراف همراهی کرد دیگر کسی نه از طرف خانواده همسر و نه خانواده خودم نمی‌تونست بهم گیر بده.... و این باعث شد که من بتونم کارم را ادامه بدم (کاهش محدودیت‌های فرهنگی).
زنان منطقه ما فرصت این بهش نمیدن که بتونه بره بیرون. قبلن میگفتن نمیتونی تنهایی بری ی روستا و زیر گیوه بیاری تا اینکه ی دوستی پیدا کردم و با اون رفتم. دیگه خودمم میتونستم برم (تلاش برای رفع موانع فرهنگی).		
شما پس‌انداز خود را به چه کارهایی اختصاص می‌دهید؟ (نکته: منظور آن است که پس‌انداز خود را در چه امری		

۱ لازم به ذکر است که ساختار و الگوی کلی تحلیل یافته‌ها در این پژوهش از مقاله ارزشمند علوی مجد و دیگران (۱۳۹۲) تحت عنوان "تحلیل چارچوب؛ شیوه‌ای برای تحلیل داده‌های کیفی" اقتباس شده است.

مصرف می‌کند؟ و چه احساس از این کار دارد؟ لطفاً توضیح دهید که تمایل به مشارکت در تأمین هزینه‌های خانواده از قبیل هزینه‌های عروسی و یا خرید جهیزیه برای دخترتان چگونه بر گرایش شما به مشاغل خانگی تأثیر گذاشته است؟ و این مشارکت چگونه صورت می‌گیرد؟			
وقتی می‌خواستم دخترم شوهر بدم با پول گیوه‌هام هر دفعه یه چیزی برای جهیزیه‌ش خریدم (مشارکت در ازدواج فرزندان).	می‌خواهم که دخترم محتاج نباشه. الانم دارم براش پس‌انداز می‌کنم (تلاش برای حمایت مالی از فرزندان).	وقتی به پدر و مادرم پول میدم خیلی خوشحال میشن و میگن خوبه ما یه نفر داریم اگه پول بخوایم می‌تونیم بدون منت ازش قرض بگیریم (ابراز خرسندی از حمایت والدین).	تنها انگیزه‌ایی که داشتم که این کار شروع کردم کمک به هزینه‌های خانواده و به عشق تنها دخترم بود... همیشه دوس دارم برای خودم، شوهرم و بچه‌هام پوشاک بخرم (خانواده محوری در گرایش به اشتغال).
فعالیت شما در مشاغل خانگی چه تاثیری بر زندگی فردی شما گذاشته است؟ اگر چنین بوده است این تأثیر بیشتر در کجای زندگی شما بوده است؟ به چه مقدار؟ چطور؟ و این تأثیر بیشتر در چه مرحله یا مرحله‌ای از زندگی شما خودش را نشان داده است؟			
از این‌که بخشی از نیازهایم را خودم رفع می‌کنم خوشحالم (تقویت اعتماد به نفس).	تاحدی دستشان تو جیب خودشونه (خودکفایی زنان).	قبلاً که بیکار بودم افکار منفی به ذهنم می‌آمد و وقتم را الکی صرف می‌کردم ولی الان که مشغول این کار هستم این افکار را از خودم دور کردم و درست از وقت خودم استفاده می‌کنم (هدفمند شدن اوقات فراغت).	برای تقویت روحیه مفید بوده. و هنر جدید یادگرفتم (تقویت اعتماد به نفس و ارتقای مهارت‌های شغلی).
فعالیت شما در مشاغل خانگی چه تاثیری بر زندگی خانوادگی شما گذاشته است؟ اگر چنین بوده است این تأثیر بیشتر در کجای زندگی شما بوده است؟ به چه مقدار؟ چطور؟ و این تأثیر بیشتر در چه مرحله یا مرحله‌ای از زندگی شما خودش را نشان داده است؟			
وقتی می‌خان به جایی بروند یا خریدی انجام دهند نظر من را می‌پرسند ولی قبلاً این کار را نمی‌کردند. یا وقتی داداشم می‌خواست زن بگیرد نظر من را می‌پرسید چون میدونست من در اجتماع هستم و دخترها و ویژگی‌های آنها را می‌شناسم. به نظرم زنان پاوه ای نیز هم مثل من هستند. به طور کلی تا اندازه ای در ارتقای نقش و جایگاه من در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی تأثیر داشته است (ساختارزدا شدن جایگاه زن).		اگه درآمدی داشته باشی میتونی خواسته‌ها و نیازهای بچه‌ها رو برآورده کنی و میتونی در تصمیمات نقش داشته باشی. فک کنم همه زن‌ها هم مثل من هستند... تا اونجایی که من شنیدم بعضی از زنان پاوه ای هم همینطورن. یه زن برام تعریف می‌کرد و می‌گفت که با پول فروش گیوه‌هایم وسایلی که خواستم خریدم طوری هم با شوهرم حرف زدم که اونو راضی کردم در خرید بعضی وسایل کمکم کنه. و می‌گفت که برای دخترم به صورت قسطی جهیزیه خریدم (تأیید کارکردهای مختلف استقلال مالی).	
الان پدر و مادرم و فامیلای نزدیکم دارن قالی می‌بافن به نوعی همه را سرگرم کردم. همه وسایل را براشون آماده می‌کنم و در اختیارشون می‌گذارم. حتی دخترم هم یاد گرفته و از این شغل به نوعی ارتزاق می‌کنیم و زندگی ما به این شغل وابسته است (اثر بخشی فعالیت اقتصادی در زندگی اطرافیان).			

شکل شماره ۱: نمایه‌سازی (مرحله سوم)



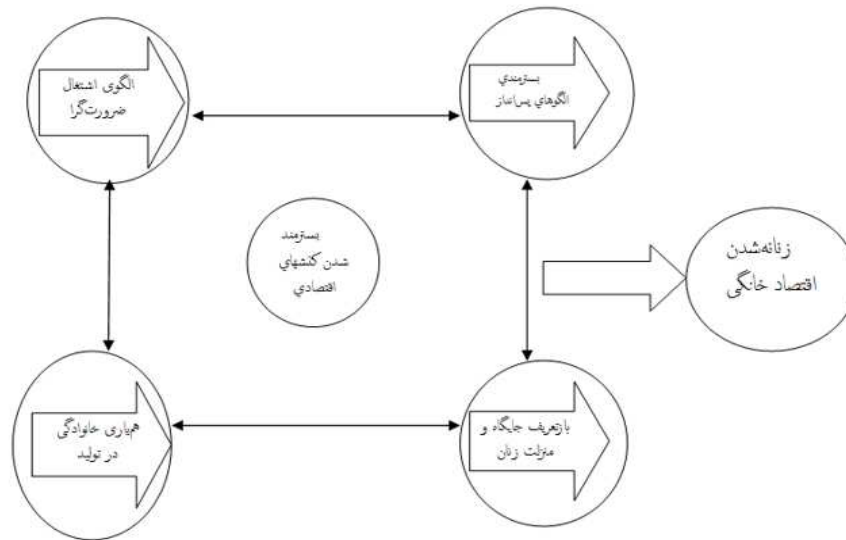
جدول شماره ۲: تلخیص و جدول‌بندی درون‌مایه‌های استخراج شده از داده‌های کیفی (مرحله چهارم)

درون‌مایه‌ها	درون‌مایه اصلی: بسترمندشدن کنش‌های اقتصادی	
	درون‌مایه فرعی: اشتغال عمل‌گرا/فرصت‌گرا	
نقل قول‌ها	گران‌شدن گیوه انگیزه ما را برای بافتن آن بیشتر کرده قبلا که قیمت آن کم‌تر بود وقت کم‌تری به آن اختصاص می‌دادم ولی الان که قیمتش بالا رفته وقت بیشتری برای آن می‌دارم (زن ۱۹ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).	وقتی که گیوه گران بشه سعی می‌کنم بیشتر ببافم. ولی وقتی ارزون شده مواد اولیه آن را خریدم و بافتم و سعی هم کردم اونا رو نفروشم تا قیمتشون باز بالا بره (زن ۳۸ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).
درون‌مایه‌ها	درون‌مایه فرعی: افول الگوی مرد نان‌آور	
	نقل قول‌ها	
نقل قول‌ها	در کنار گیوه‌بافی می‌خوام دار قالی و نخ بخرم. قالی ببافم و بفروشم و به هدف‌هایی که دارم از طریق پولی که به‌دست میارم برسم. تا کی باید منتظر شوهرم باشم (زن ۲۷ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی و قالی‌بافی).	الان همه زنان دارند کار می‌کنند. خیاطی، گیوه، آرایشگری. مگر زنی یا نتواند کار کند یا بچه کوچک داشته باشد. زنان می‌گن که برم کار کنم و با پولش برای خودم وسیله بخرم و یه کمک خرجی باشه برای خونه (زن ۲۴ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).
درون‌مایه‌ها	درون‌مایه اصلی: هم‌پاری خانوادگی در تولید	
	درون‌مایه فرعی: جامعه‌پذیری اقتصادی فرزندان	
نقل قول‌ها	بچه‌هام دوست دارند و به کارم افتخار می‌کنند. می‌گن مامان ما دوس داریم که آرایشگاه داشته باشی. در مدرسه وقتی می‌پرسن مامانت چکاره ست من میگم آرایشگاه و آموزشگاه داره. به کارت افتخار میکنیم (زن ۳۹ ساله، متأهل و مشغول به آموزش آرایشگری).	زمانی بابام بهم گفت که گیوه بافی مثل توشه- ایست (سفره) که همیشه باهات هست و هر وقت گشنه‌ات شد می‌تونی سفره پهن کنی و غذا بخوری و سر سفره کسی نری. منم این حرف بابام را گوش دادم و گیوه بافی یاد گرفتم و هر جا که بودم از این طریق پول بدست آوردم (زن ۳۷ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).
درون‌مایه‌ها	درون‌مایه فرعی: حمایت همسر	
	نقل قول‌ها	
نقل قول‌ها	وقتی که مجرد بودم به این شغل علاقه داشتم بابام نمیداشت پیام یاد بگیرم و میگفت اگه هم بری باید از صبح تا ظهر بری. اون موقع کسی آرایشگری نمیکرد و رسم نبود و می‌گفت مردم دید خوبی نسبت به آرایشگری ندارند. ولی وقتی ازدواج کردم و شوهرم دید که علاقه دارم از من حمایت کرد و به خاطر کار شوهرم	وقتی شروع به کار کردم مورد حمایت همسرم قرار گرفتم. میگفت واسه خودمون قالی بباف خودم پولش بهت میدم و مورد تشویق اطرافیان هم قرار گرفتم و می‌گفتن قالی‌بافه. چند نفر هم از من تقلید کردن و این کار شروع

به شهر دیگه‌ای رفتیم و اونجا در کلاس‌های آرایشگری شرکت کردم واکثر مدارکی که دارم اونجا گرفتم (زن ۳۹ ساله، متأهل و مشغول به آموزش آرایشگری).	کردند (زن ۲۷ ساله، متأهل و مشغول به قالی‌بافی).
درون‌مایه اصلی: الگوی مصرف ضرورت‌گرا درون‌مایه فرعی: فرزندمحوری در برنامه‌های خانوادگی	
آره الان بچه‌هام دارن بزرگ میشن به فکر آینده شونم هستیم و کم کم براشون پس‌انداز می‌کنیم. وظیفه خودم میدونم بچه‌ام تا زمانی که مستقل بشه و بره سر خونه زندگی خودش باید ازش حمایت کنیم. بعضی‌هام میگن نباید زیاد هوای بچه‌ها رو داشته باشی. منم دیدم کسانی که ازشون حمایتی نشده و تونستن روی پای خودشون بایستن و موفق هم بودن. ولی اگه وسع مالی داشته باشی چه اشکال داره که به بچه‌ها کمک کنی (زن ۳۹ ساله، متأهل و مربی آرایشگری).	واسه دخترم حساب بانکی باز کردم و هر ماه پول فروش ۳ جفت گیوه به حساب اون می‌ریزم. دوست دارم زندگی خوبی داشته باشه و کمبود نداشته باشه (زن ۳۸ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).
درون‌مایه فرعی: نیازمحور بودن الگوی اشتغال	
از درآمدم واسه مخارج زندگی استفاده می‌کنم. چون خیلی کمه و نمیتونم باهاش کاری دیگه انجام بدم. به همین دلیل آن را نگه میدارم تا وقتی که بهش احتیاج پیدا کنم. به اندازه پولم خرید می‌کنم و اجباری هم واسه خریدن چیزی که پولش را ندارم نمی‌بینم. (زن ۴۶ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی).	کار من کمک خرجی بوده برای خونه. قبلاً هم گفتم که قبلاً زندگی سختی داشتیم و درآمد شوهرم (جوشکاری) کفاف زندگیمون را نمی‌داد. مستأجر بودیم، دخترم مدرسه میرفت و هزینه‌های مهمان و.... دیدم که درآمد شوهرم جواب‌گو نیست. خودم گیوه می‌بافتم و تصمیم گرفتم که این کارو شروع کنم (زن ۲۵ ساله، متأهل و مشغول به قالی‌بافی).
درون‌مایه اصلی: بسترمندی الگوهای پس‌انداز درون‌مایه فرعی: خرید طلا به عنوان پس‌انداز	
اگه درآمد زیاد باشه باهاش طلا می‌خرم چون پشتوانه خوبیه به‌خصوص برای زن. و هرلحظه آماده نقد شدن. هر وقت که خواستم فروختم و خریدم. بعضی زنا در ماه چند پیراهن می‌خرن بعد اینکه دو بار پوشیدن، دیگه دورش میندازن اما من به جای این کار پولم را پس‌انداز میکنم یا طلا می‌خرم چون اگه به ارزشش افزوده نشه کم نمیشه و اگر کم باشه به حسابم واریزش میکنم تا زمانی که بهش احتیاج پیدا کنم	پس‌انداز من به صورت خرید طلاست چون مقدار پولی که دارم امسال می‌توانم با آن طلا بخرم اما سال بعد ممکن است نتوانم با همین پول طلا بخرم. در صورت نیازم طلا را راحت می‌تونم بفروشم (زن ۲۵ ساله، متأهل و مشغول به قالی‌بافی).

مسئول کارگاه قالی‌بافی).	(زن ۵۱ ساله، متأهل و مشغول به آموزش بافتنی).
درون‌مایه	درون‌مایه فرعی: آینده‌نگری در پس‌انداز
نقل قول‌ها	نباید پول بخواهد تا حدی که می‌توان باید با آن سرمایه‌گذاری کرد. به نظر من قرض گرفتن پس‌انداز محسوب نمی‌شود. به‌خصوص اگر مبلغ آن زیاد باشد توان پرداخت آن را ندارم چون احتمالاً طلبکار یک‌جا پولش را بخواهد. خرج نکردن و کنار گذاشتن پول اشتباه است. چون ارزش پول پایین می‌آید. مطلقاً نمی‌شود گفت که کنارگذاشتن پول اشتباه است ولی کنارگذاشتن پول به عنوان پس‌انداز برای آینده اشتباه است. گفتم که باید از این طریق سرمایه‌گذاری برای آینده کنیم (زن ۲۶ ساله، مجرد و مشغول به قالی‌بافی). من با خرید ملک پس‌انداز می‌کنم. میگم این به درد آیندمون می‌خوره. دو بار برای آرایشگام وام گرفتم و آن را پرداخت کردم. طلا اگه برای خرید و فروش باشه احتمال ضرر و زیان در آن هست، به همین دلیل برای خودم می‌خرم (زن ۳۹ ساله، متأهل و مشغول به آموزش آرایشگری).
درون‌مایه‌ها	درون‌مایه اصلی: بازتعریف جایگاه و منزلت زنان
	درون‌مایه فرعی: تحول در زندگی فردی
نقل قول‌ها	با انجام دادن اینکار احساس مفید بودن می‌کنم و از این‌که سرباری برای خانواده و والدینم نیستم و حتی می‌تونم به آنها نیز کمک کنم راضی هستم (زن ۲۵ ساله، مجرد و مشغول به قالی‌بافی). به این جا اومدم هم قالیبافی و هم تابلو فرش یاد گرفتم. اعتماد به نفسم بالا رفته. انگیزه‌ام برای کار بیشتر شده چون مورد تشویق قرار گرفتم، همچنین با کمک به والدینم می‌خوام باری از رو دوش آنها بردارم (زن ۲۷ ساله، متأهل و مشغول به گیوه‌بافی و قالی‌بافی).
درون‌مایه	درون‌مایه فرعی: مشارکت در هزینه‌های خانواده
نقل قول‌ها	وقتی خانه ساختیم در قسمتی از هزینه‌های ساخت خانه کمک کردم و این از قبل در ذهنم بوده که اگر اعضای خانواده من به پول احتیاج داشته باشند به آنها کمک کنم (زن ۲۵ ساله، مجرد و مشغول به قالی‌بافی). شوهرم بیکار بود و به شدت به پول نیاز داشتیم. با خودم گفتم که چرا برم به این و اون بگم و محتاج دیگران باشم. تو خونه گیوه بافتم سر کوچه هم که با زنان می‌نشستم گیوه می‌بافتم. و با کسب درآمد مقداری از مخارج خانه را برعهده گرفتم. آخه دوست نداشتم حتی محتاج داداشم هم باشم و بهش رو بندازم (زن ۴۵ ساله، متأهل و مشغول به خیاطی و گیوه‌بافی).

شکل شماره ۲. مرحله پنجم: تدوین چارچوب نظری نهایی



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن بودند که در جامعه مورد مطالعه، افراد به شیوه‌ای آگاهانه شرایط اقتصادی موجود را می‌سنجند و براساس محدودیت‌ها و فرصت‌های احتمالی دست به کنش‌های خاصی می‌زنند. در همین رابطه "اشتغال عمل‌گرا" یکی از درون‌مایه‌های برآمده از داده‌های میدانی بود. به‌طوری‌که افراد ترجیح می‌دادند تا هم‌زمان با رونق گرفتن بازار، برای محصولاتی که به تولید آن‌ها مشغول بودند وقت و انرژی بیشتری اختصاص دهند. در کنار شرایط اقتصادی حاکم بر فعالیت اقتصادی زنان، تغییر نگرش جامعه درباره نقش زنان و نسبت آن‌ها با فعالیت‌های اقتصادی نیز قابل توجه بوده است؛ به‌طوری‌که امروزه "نان‌آوربودن" دیگر الگویی "جنسیت‌محور" نیست و مشارکت زنان در تأمین هزینه‌های خانواده رو به نهادینه شدن می‌رود. به عبارتی دیگر، با وارد شدن به عرصه اجتماع و فضای کسب‌وکار نقش مردان به عنوان تنها نان‌آور خانواده در حال ساختارزدایی است و چنین وضعیتی منجر به "افول الگوی مرد نان‌آور" در جامعه مورد مطالعه شده است. به تعبیر وبر این کنش ابعاد اجتماعی نیز دارد چرا که کنش زمانی اجتماعی است که شخص عامل، رفتار دیگران را نیز در معانی ذهنی خودش در نظر بگیرد

و رفتار خود را با توجه به آن جهت دهد. در این باره، یافته‌های پژوهش نشان داد که چگونه "حمایت همسر" منجر به هدف‌مند شدن فعالیت‌های زنان شده است و زنان با پشتوانه همسرانشان "محدودیت‌های فرهنگی اگرچه ناچیز" را درباره فعالیت‌های اقتصادی پشت‌سر می‌گذارند. همچنین یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن است که فرآیند جامعه‌پذیری در جامعه مورد مطالعه به گونه‌ای است که فرزندان با رفتار و گفتار خود از فعالیت‌های اقتصادی مادرانشان حمایت می‌کنند و خود آن‌ها نیز در تلاش‌اند تا ضمن هم‌زاد پنداری با مادرانشان، در آینده به منبع مالی نسبتاً پایداری دسترسی داشته باشند. تحت تأثیر چنین فضایی است که "هم‌یاری خانوادگی در تولید" شکل گرفته است و در چنین وضعیتی می‌توان از بسترمند بودن فعالیت‌های اقتصادی در بین زنان پاوه‌ای سخن گفت.

درباره شیوه‌های پس‌انداز کردن، یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن هستند که شرایط اقتصادی جامعه ایران در نحوه نگرش افراد مورد مطالعه به شیوه‌های پس‌انداز کردن تأثیر گذاشته است. به این صورت که به طور سنتی انتظار می‌رود الگوهای سنتی پس‌انداز از قبیل صرفه‌جویی در مخارج منزل و کنار گذاشتن پول، الگوی متعارف پس‌انداز کردن را تشکیل دهند، ولی تغییرات اقتصادی و نرخ روزافزون تورم در جامعه ایران منجر به بازاندیشی در شیوه‌های پس‌انداز کردن بین زنان مورد مطالعه شده و امروزه شیوه‌هایی از قبیل خرید طلا، زیورآلات و ملک مرسوم شده است، زیرا احتمال کاهش قدرت خرید افراد را به دنبال ندارد. لازم به ذکر است که انتخاب چنین شیوه‌هایی به طور غیرمستقیم دارای کارکرد "ارتقای اعتبار و مشروعیت اجتماعی افراد" است. از طرفی، از دیگر شیوه‌های پس‌انداز کردن از قبیل وام‌گرفتن و خرید قسطی استقبال چندانی نمی‌شود که این امر از یک سو می‌تواند ریشه در نهادینه شدن آموزه‌های فرهنگی-مذهبی طی فرآیند جامعه‌پذیری افراد داشته باشد و از سوی دیگر، گسترش روزافزون محدودیت‌های بانکی انگیزه افراد را نسبت به پس‌انداز کردن از طریق تسهیلات بانکی تضعیف کرده است.

بخشی دیگر از یافته‌های پژوهش نشان داد که بخشی از اهداف و نیت پس‌انداز کردن، رفع نیازهای فعلی و آتی فرزندان است به طوری که "فرزندمحوری" نه فقط به بخشی از فعالیت‌های اقتصادی زنان معنا می‌داد بلکه برای برخی از زنان یگانه هدف آن‌ها در گرایش به درآمدزایی و پس‌انداز کردن بود. لذا می‌توان اذعان داشت که "فرزندمحوری در برنامه‌های خانوادگی" بر کمیت و ماهیت کسب‌وکار خانگی تأثیر قابل توجهی داشته است. بخشی از این جهت‌گیری

اقتصادی زنان را می‌توان "کنش ناشی از تمایلات خاص و وضعیت احساسیِ شخص" تلقی کرد. وضعیتی که وبر از آن با "کنش عاطفی" یاد می‌کند. بنابراین، با توجه به فضای اقتصادی موجود می‌توان گفت که "الگوی اشتغال ضرورت‌گرا" و "آینده‌نگری در پس‌انداز" وجه غالب الگوهای پس‌انداز و اشتغال در بین خانواده‌های پاه‌ای است و این شرایط از "بسترمندشدن الگوهای پس‌انداز و کنش‌های اقتصادی" در جامعه مورد مطالعه حکایت می‌کند.

در پایان می‌توان گفت از آنجاکه هر نوع کنشی می‌تواند پیامدها و کارکردهای مستقیم و یا غیرمستقیمی به دنبال داشته باشد لذا "جایگاه و منزلت زنان"، به ویژه در حوزه کنش‌های اقتصادی، در حال "بازسازی و بازتعریف شدن" است و زنان با کنش‌های اقتصادی خود به دنبال "تحول در زندگی فردی" خود و از خلال این تحولات، در صدد "مشارکت در هزینه‌های خانواده" هستند. براساس آنچه آمد می‌توان گفت که این تحولات مبتنی بر مجموعه‌ای از "کنش‌های نیت‌مند" است و از پیامدهای بارز آن می‌توان به "ساختارزدایی در نقش‌های زنانه" اشاره کرد و به همین ترتیب، پیامد نهایی کنش‌های اقتصادی زنان در جامعه مورد مطالعه، "زنانه شدن اقتصاد خانگی" است که این مقوله می‌تواند به لحاظ معنایی، سایر درون‌مایه‌های فرعی و اصلی برآمده از یافته‌های پژوهش را در برگیرد.

منابع

- آراستی، زهرا (۱۳۸۵)، زنان کارآفرین ایرانی، ساختارهای فرهنگی-اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، صص ۹۳-۱۲۰.
- باقری، معصومه، ملتفت، حسین و هدایت شریفیان (۱۳۸۸)، بررسی تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۲۶۲-۲۴۷.
- توسلی، افسانه و فاطمه رفیعی خونانی (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل (کارمندان زن سازمان بیمه خدمات درمانی)، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال ۲، شماره ۲، صص ۳۳-۵.
- رفعت‌جاء، مریم و فاطمه خیرخواه (۱۳۹۲)، مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، سال ۱، شماره ۲، صص ۱۵۶-۱۳۰.

- زراء نژاد، منصور و امیرحسین منتظر حجت (۱۳۸۴)، نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۰۴-۷۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- علوی مجد، حمید، نیک‌پیم، نسرین، عابد سعیدی، ژیللا و اذن‌اله آذرگشپ (۱۳۹۲)، تحلیل چارچوب؛ شیوه‌ای برای تحلیل داده‌های کیفی، نشریه پایش، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۵۰-۴۱.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، مترجم هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش، منطق و طرح در روش شناسی کیفی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- مسجدیان، مهدی (۱۳۷۱)، تحقیقی پیرامون وضعیت اشتغال، درآمد، فراغت، رضایت شغلی زنان اصفهان، کمیسیون امور بانوان.
- نوری، سید هدایت‌الله و نرگس علی محمدی (۱۳۸۸)، تحلیلی بر فعالیت‌هاب اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه براآن- شهرستان اصفهان)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۸۷-۱۰۴.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران، انتشارات سمت.
- سایت مرکز آمار ایران <http://www.amar.org.ir>
- سایت استانداری کرمانشاه <http://www.ostan-ks.ir>